



پیام‌ها و پیامدهای طوفان الاقصی پس از سه سال

پس لرزه‌های طوفان

سرمقاله

سه سال پیش، عملیات طوفان الاقصی در شرایطی انجام شد که مسئله فلسطین، پس از سال‌ها محاصره غزه، اشغال سرزمین‌های فلسطینی، گسترش شهرک‌سازی و تشدید جنایت علیه مردم فلسطین، در مسیر به حاشیه رفتن در جامعه جهانی بود. روند عادی‌سازی روابط برخی کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی نیز این نگرانی را تقویت می‌کرد که مسئله فلسطین به حاشیه معادلات منطقه‌ای رانده شود. در چنین شرایطی، حماس و دیگر گروه‌های فلسطینی عملیات طوفان الاقصی را آغاز کردند؛ عملیاتی که صرف‌نظر از پیامدهای خونین آن، معادلات منطقه را به‌طور بنیادین تغییر داد و مسئله فلسطین را دوباره به مرکز توجه جهان بازگرداند. نخستین اثر این عملیات، فرو ریختن تصویر شکست‌ناپذیری رژیم صهیونیستی بود. اسرائیل سال‌ها با تبلیغات رسانه‌ای بر برتری اطلاعاتی، دیوار حائل، سامانه‌های مراقبتی و توان نظامی خود تکیه کرده بود، اما ۷ اکتبر نشان داد که این مجموعه در برابر مقاومت نمی‌تواند امنیت ایجاد کند. تحقیقات بعدی خود اسرائیل نیز از شکست ارتش در حفاظت از ساکنان سرزمین‌های اشغالی سخن گفت. بنابراین، طوفان الاقصی فقط یک حمله به چند نقطه مرزی نبود؛ بلکه ضربه‌ای به یکی از مهم‌ترین پایه‌های قدرت ادعایی رژیم صهیونیستی، یعنی بازدارندگی و اعتماد عمومی به ساختار امنیتی آن بود. تل‌آویو برای جبران این شکست، جنگی گسترده علیه غزه را آغاز کرد و اهدافی همچون نابودی حماس، بازگرداندن اسرا و ایجاد یک واقعیت امنیتی جدید را در دستور کار قرار داد. اما سه سال بعد، فاصله میان این اهداف و نتایج به‌دست آمده بسیار زیاد است. حماس از معادله فلسطین حذف نشده و حتی پس از عملیات گسترده نظامی، مسئله آینده غزه، خلع سلاح حماس و شکل حکمرانی در این منطقه همچنان حل نشده باقی مانده است. این واقعیت نشان می‌دهد که کشتار گسترده غیرنظامیان و جنایت جنگی به معنای پیروزی راهبردی نیست. جنگ با حزب الله نیز وضعیت مشابهی ایجاد کرد. اسرائیل ضربات زیادی به این جنبش وارد کرد، اما نتوانست آن را از معادلات سیاسی و امنیتی لبنان حذف کند. بازگشت درگیری‌ها در سال ۲۰۲۶ نیز نشان داد که مسئله مقاومت در لبنان با یک عملیات نظامی پایان نمی‌یابد. در مورد ایران نیز اسرائیل و آمریکا در دونوبت مستقیماً به ایران حمله کردند، اما نه‌تنها موفق نشدند، بلکه ایران یک قدرت مؤثر منطقه‌ای باقی مانده و حتی طبق اعتراف مقامات غربی، ایران به چهارمین ابرقدرت دنیا تبدیل شده است. به این ترتیب، می‌توان از یک چرخه سخن گفت: اسرائیل برای جبران یک شکست امنیتی وارد جنگ شد، اما جنگ طولانی به فرسایش نظامی، سیاسی و اقتصادی انجامید و اهداف اصلی نیز محقق نشد. یکی از مهم‌ترین پیامدهای طوفان الاقصی، تغییر جایگاه مسئله فلسطین در افکار عمومی جهان بود. پیش از ۷ اکتبر، عادی‌سازی روابط اسرائیل با برخی

کشورهای عربی و رقابت قدرت‌های منطقه‌ای باعث شده بود مسئله فلسطین در مقاطع مختلف از اولویت رسانه‌ها و سیاست خارجی فاصله بگیرد. جنگ غزه این روند را معکوس کرد. تصاویر و گزارش‌های مربوط به جنایت‌های اسرائیل در غزه، اعتراض‌های گسترده در شهرهای مختلف جهان و افزایش فشارهای سیاسی بر اسرائیل، مسئله فلسطین را دوباره به یکی از مهم‌ترین موضوعات سیاست بین‌الملل تبدیل کرد. این تغییر فقط در سطح افکار عمومی باقی نمانده است. در سال‌های پس از جنگ، شمار بیشتری از کشورها به

سمت به رسمیت شناختن کشور فلسطین حرکت کردند و حتی میان اسرائیل و برخی متحدان سنتی آن اختلافات جدی شکل گرفت. در آمریکا نیز نظرسنجی‌های مختلف از افزایش انتقاد نسبت به جنایت اسرائیل در غزه حکایت دارد و تعداد بیشتری، روزه‌روز در آمریکا، به عنوان متحد راهبردی این رژیم در حال فاصله گرفتن از تل‌آویو هستند. بنابراین، یکی از پیامدهای جنگ برای تل‌آویو، افزایش هزینه سیاسی و دیپلماتیک سیاست‌های آن بوده است. در داخل اسرائیل نیز آثار این فرسایش قابل مشاهده است. حمله ۷ اکتبر ضربه

سنگینی به اعتبار ساختار امنیتی وارد کرد و عملکرد بنیامین نتانیاهو نیز بیش از گذشته محل مناقشه قرار گرفت. اختلاف بر سر ادامه جنگ، مسئله اسرا، آینده غزه، خدمت نظامی حریدی‌ها و هزینه‌های اقتصادی جنگ، شکاف‌های سیاسی و اجتماعی را تشدید کرده است. رژیمی که پس از طوفان الاقصی تلاش می‌کرد تصویر قدرت و انسجام خود را بازسازی کند، اکنون با پرسش‌های جدی درباره آینده سیاسی و امنیتی خود مواجه است. بر اساس یک گزارش محرمانه از سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا)، کارشناسان این سازمان نسبت به احتمال وقوع جنگ داخلی یا فروپاشی سیاسی در اراضی اشغالی هشدار داده‌اند. سه سال پس از طوفان الاقصی، مسئله اصلی همین تناقض است. اسرائیل برای بازگرداندن بازدارندگی خود وارد مجموعه‌ای از جنگ‌ها شد، اما با مجموعه‌ای از بحران‌های تازه روبه‌رو شد. مسئله فلسطین دوباره به مرکز توجه جهان بازگشت، مقاومت از معادلات منطقه حذف نشد، ایران به بازیگری تعیین‌کننده‌تر از قبل تبدیل شد و شکاف‌های داخلی اسرائیل نیز افزایش یافت. اکنون چهره غرب آسیا تغییر کرده است، اما نه آن گونه که تل‌آویو می‌خواست. طوفان الاقصی نشان داد که جنگ و اشغالگری و جنایت جنگی نمی‌تواند مسائل سیاسی و تاریخی ریشه‌دار را حل کند. شاید مهم‌ترین میراث سه سال گذشته همین باشد: اسرائیل توانست جنگ‌های بزرگی به راه بیندازد، اما نتوانسته میان قدرت نظامی و یک پیروزی سیاسی پایدار پیوند برقرار کند؛ و همین شکاف، چرخه‌ای از ناکامی، فرسایش و بحران داخلی را به وجود آورده است. امروز، سه سال پس از طوفان الاقصی، برای پاسخ به این پرسش که «چرا این عملیات انجام شد؟» باید به پیامدهای آن نیز نگاه کرد. این عملیات در شرایطی رخ داد که سال‌ها محاصره، اشغال، شهرک‌سازی و جنایت، مسئله فلسطین را در آستانه به حاشیه رفتن قرار داده بود. اما نتیجه آن، تنها یک تحول نظامی نبود؛ طوفان الاقصی چهره بدون روتوش سیاست‌های وحشیانه اسرائیل در قبال فلسطینیان را در برابر افکار عمومی جهان قرار داد و تصویر جعلی ساخته شده اسرائیل را به چالش کشید. پس از آن، شکاف‌های سیاسی و اجتماعی داخل اسرائیل آشکارتر شد و روند عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی نیز با هزینه‌ها و موانع سیاسی تازه‌ای روبه‌رو شد. این روند پس از گسترش حملات اسرائیل به لبنان، سوریه و دیگر نقاط منطقه، بیش از گذشته تحت فشار قرار گرفت. مهم‌تر از همه، نگاه امنیتی به اسرائیل در غرب آسیا تغییر کرده است. نظرسنجی‌های جدید نشان می‌دهد در افکار عمومی عرب، اشغال سرزمین‌های فلسطینی و اقدامات اسرائیل در غزه و منطقه، تهدیدی جدی‌تر از سایر مسائل تلقی می‌شود. از این منظر، طوفان الاقصی فقط یک عملیات نبود؛ نقطه عطفی بود که معادلات سیاسی، امنیتی و افکار عمومی منطقه را دگرگون کرد.

شیخ نعیم قاسم، دبیرکل حزب الله:

مقاومت تا پایان اشغالگری ادامه خواهد داشت

سه سال پیش، حزب الله لبنان در سخنانی در مراسم افتتاحیه موسسه حفظ و نشر آثار شهید نصر الله گفت: مکتب جهاد کربلایی که بر پایه فداکاری بنا شده، شالوده اصلی تربیت انسان‌های آزاده و احقاق حق در جامعه است. شهید نصر الله با الهام از این آموزه‌ها فرموده امام خمینی ^(ع)، فرهنگ عاشورا در سراسر زندگی جهادی خود عینیت بخشید و توانمندی مؤثری برای مواجهه با چالش‌های بزرگ ایجاد کرد. وی افزود: در کنار فرهنگ جهاد عاشورایی، اصل «ولایت و ولایت‌مداری» نیز به عنوان یکی از اصول بنیادین دین، زیربنای حرکت جامعه اسلامی و جریان مقاومت قرار دارد. دبیرکل حزب الله لبنان در ادامه گفت: تأکید بر «ولایت‌مداری» به عنوان رکن اصیل ایمان و پیوند ناگسستنی با منظومه اندیشه‌ای امام خمینی ^(ع) و رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه‌ای، نقشه راه بنیادی مکتب سیدالشهدای مقاومت را ترسیم می‌سازد. وی افزود: آزادسازی جنوب لبنان در مقابل دیدگان ماست و اسرائیل حتی پس از مدتی قادر به ماندن در جنوب نخواهد بود. این مقاومت که پایدار مانده است، نمونه‌ای افسانه‌ای از تاب‌آوری را به نمایش گذاشته است. وی تصریح کرد: پایداری مقاومت، برکتی از سر رو شهیدان امت و هدایت‌های اووا از این ملت پاک و عزیز است. تازمانی که تجاوز وجود دارد، مقاومت تداوم خواهد داشت. راه حل در خروج خفت بار دشمن و همراه آن آمریکا به عنوان حامی این رژیم است که با تمام توان از آن برای حمله به منطقه ما حمایت می‌کند.

قاب

بدرقه کاروان ایران به بازی‌های پارآسیایی ناگویا در میدان انقلاب

مراسم بدرقه کاروان ایران اعزامی به پنجمین دوره بازی‌های پارآسیایی آچی - ناگویا ۲۰۲۶، شامگاه دوشنبه ۱۳ مهرماه با حضور ورزشکاران، مربیان، مسئولان کمیته ملی پارالمپیک و جمعی از مردم در میدان انقلاب تهران برگزار شد. کاروان «جانفدای ایران قوی» با ۱۶۶ ورزشکار در ۱۵ رشته ورزشی راهی ژاپن می‌شود تا از ۲۶ مهر تا ۲۲ آبان در این رقابت‌ها حضور داشته باشد.



چرا آمریکا سراسیمه بمب افکن‌های خود را از انگلیس خارج کرد؟

ایران در مسیر قدرت فرمانطقه‌ای

سه روزگاری، انگلستان هر زمان که اراده می‌کرد، می‌توانست در جنوب ایران نیرو پیاده کند؛ از مناقشه هرات در قرن نوزدهم تا جنگ جهانی اول و سپس جنگ جهانی دوم. ایران ضعیف شده آن روزگار، در برابر قدرت‌های خارجی توان بازدارندگی مؤثری نداشت و بیگانگان می‌توانستند به خاک کشور لشکرکشی کنند، نیرو مستقر کنند و حتی شهرهای ایران را به تصرف درآورند. اما امروز معادله تغییر کرده است. به تعبیر رهبر معظم انقلاب: «آن روزهای سابق [سلطه‌گری استعمارگران بر ایران] که دشمن ما آرزوی بازگشت به آن را دارد، گذشت و دیگر هیچ‌گاه تکرار نخواهد شد.» پس از ماه‌ها رویارویی نظامی میان ایران، آمریکا و رژیم صهیونیستی، تهران صراحتاً هشدار داده است که در صورت تکرار جنگ، دامنه درگیری می‌تواند فراتر از مرزهای منطقه گسترش یابد. در همین چارچوب، گزارش شده است که آمریکا ۱۲ بمب افکن بی-۱ خود را از پایگاه فرورد در بریتانیا خارج کرده است؛ پایگاهی که به دلیل باند بلند خود برای عملیات بمب افکن‌های راهبردی آمریکا اهمیت دارد. اگر این تحول را در کنار تهدیدهای ایران علیه پایگاه‌های مورد استفاده آمریکا قرار دهیم، تصویر روشن‌تری از تغییر موازنه قدرت به دست می‌آید: کشوری که زمانی پذیرای نیروهای بیگانه بود، امروز توان آن را یافته که محاسبات امنیتی قدرت‌های بزرگ را در فاصله هزاران کیلومتری مرزهای خود تحت تأثیر قرار دهد. امروز فراتر از منطقه، پیام تهران به اروپا نیز روشن است: مشارکت در جنگ علیه ایران می‌تواند هزینه‌هایی فراتر از جغرافیای خاورمیانه داشته باشد.